

مقایسه مؤلفه‌های حکومتی امیرالمؤمنین علی (ع) و انقلاب اسلامی ایران با رویکرد بیانیه‌ی گام دوم انقلاب

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۸

اکرم السادات حسینی هنومرور^۱، حمید حمیدیان^۲

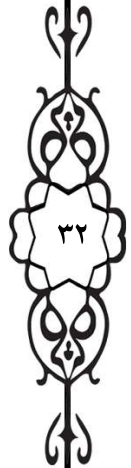
چکیده

بعد از رحلت پیامبر (ص) نخستین حکومتی که بر پایه‌ی دستورات اسلامی و بر مبنای عدل و داد شکل گرفت، حکومت امیرالمؤمنین علی (ع) بود. این حکومت، نماد حکومتی اسلامی بود که تنها به دست توانمند امیرالمؤمنین (ع) توانست پایه‌ریزی شود و الگویی باشد برای کسانی که می‌خواهند با بهره‌گیری از سیره‌ی علی (ع) حکومتی سراسر عدل را به مرحله‌ی ظهور برسانند. در این میان انقلاب اسلامی ایران با الگو قرار دادن روش علوی توانسته است حکومت خود را بر اساس مبانی اسلامی و دینی به پیش ببرد. بر همین اساس رهبر انقلاب اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب، بیانیه‌ای صادر کردند که به گام دوم انقلاب معروف است. این بیانیه بیانگر طرحی برای گذر از وضع موجود به وضع مطلوب است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی اتفاقات عصر حضرت علی (ع) و توجه به فراز و نشیب انقلاب اسلامی ایران و حوادثی که در طی این سال‌ها بر ملت شریف ایران گذشته، صورت گرفته است. براینند پژوهش آنکه؛ شناخت گذشته، ترویج علم، اوج مشارکت مردمی، اقتصاد مقاومتی و ایستادگی در برابر ظلم زورگویان و... از مؤلفه‌های حکومت علوی بوده است که در بیانیه‌ی گام دوم نیز به آنها توصیه و اشاره شده است. هرچند هنوز راه زیادی تا رسیدن به نقطه مطلوب مانده و نیازمند تلاش و کوشش است؛ اما با نگاهی گذرا در عملکرد ۴۰ ساله‌ی حکومت اسلامی ایران نیز بسیاری از این مؤلفه‌ها مشهود است.

واژگان کلیدی: امام علی (ع)، حکومت علوی، حکومت اسلامی ایران، گام دوم انقلاب اسلامی.

۱. دکتری رشته علوم و معارف نهج البلاغه، دانشگاه میبد (نویسنده مسئول)؛ akramsadat.hosseini5@gmail.com

۲. استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد؛ hamidiyan@meybod.ac.ir



مقدمه

با توجه به اینکه حضرت علی (ع)، تنها معصومی هستند که بعد از پیامبر گرامی اسلام (ص) با یک وقفه ۲۵ ساله موفق به تشکیل حکومت اسلامی شدند؛ سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی ایشان در آن دوران با در نظر گرفتن شرایط آن زمان و وضعیت اقتصادی و اجتماعی حکومت‌های پیش از ایشان قابل بررسی است. بعد از خلافت علی (ع) جامعه به رفاهی نسبی رسید، بیت‌المال به صورت مساوی بین همگان تقسیم گردید و ملاک ارزش انسان‌ها تقوا و ایمان قرار گرفت. هرچند این حکومت برای کسانی که تا پیش از این بر اساس نظام طبقاتی خلیفه دوم و خویشاوندسالاری خلیفه سوم، حقوقی مضاعف دریافت می‌کردند، بسیار دشوار آمد و لذا هجمه عظیمی از مخالفان در برابر حضرت صورت گرفت.

از طرفی الگوگرفتن ایران اسلامی از حکومت امام علی (ع) از یکسو و فرصت حکومت‌داری علی (ع) از سوی دیگر و توجهی ویژه به سخنان و سیره آن حضرت در امر حکومت، ایجاب می‌نماید که حوادث و وقایع آن زمان و تدابیر و دستاوردهای حکومت چندساله‌ی علی (ع) مورد بررسی قرار گیرد. با این توضیح که رهبر معظم انقلاب اسلامی در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، بیانیه‌ای صادر کردند که به گام دوم انقلاب معروف است. این بیانیه با روایت تاریخی انقلاب، آغاز شده و به سوی آینده‌ای روشن امتداد می‌یابد و بیانگر وضعیت انقلاب اسلامی در آستانه چهل سالگی است؛ در واقع طرحی برای گذر از وضع موجود به وضع مطلوب ارائه شده است.

با این توضیح؛ هنگامی که نظام سلطنت شاهنشاهی بر سر ایران سایه افکنده بود. مردم ایران که از این همه ظلم و ستم به تنگ آمده بودند به رهبریت امام خمینی (ره) انقلابی را پایه‌ریزی کردند که تحول عظیمی را در کشور ایران به وجود آورد. انقلاب اسلامی ایران در طی چهل و اندی سال که از پیروزی آن می‌گذرد دستاوردهایی داشته است که در بیانیه گام دوم انقلاب از آن‌ها نام برده است. از جمله مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی که در سخنان رهبر جمهوری اسلامی ایران بیان شده است می‌توان به: ۱- ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران ۲- موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فناوری ۳- به اوج رساندن مشارکت مردمی ۴- ارتقای شگفت‌آور بینش سیاسی آحاد مردم ۵-

سنگین کردن کفه‌ی عدالت در تقسیم امکانات عمومی ۶-افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه ۷-ایستادگی روزافزون در برابر قلدوران و زورگویان و مستکبران جهان.

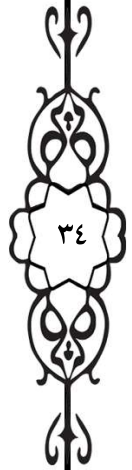
بنابراین، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤالات است، مهم‌ترین مؤلفه‌ها در حکومت امام علی (ع) چیست و این شاخصه‌ها در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب چگونه نمود یافته است؟ انقلاب اسلامی تا چه اندازه توانسته است اندیشه‌ها و تدابیر امام علی (ع) را در امر حکومت‌داری سرلوحه‌ی کار خود قرار دهد؟

ضرورت این پژوهش از آنجاست که تاریخ تحولات دوران خلافت امام علی (ع) مستند بزرگی است که می‌توان عبرت‌های فراوان از آن گرفت و عبرت از وقایع باعث افزایش بصیرت می‌شود و هرکس بصیرت پیدا کند در صحنه‌های مشابه رفتارهای مناسبی اتخاذ خواهد کرد. از طرفی سخنان امام علی (ع) الگویی مناسب و ارزشمند برای ما شیعیان است که می‌خواهیم منش و رفتار ائمه معصومین را سرلوحه زندگی و رفتارهای خود قرار دهیم. بر همین مبنا، در این پژوهش به واکاوی مهم‌ترین مؤلفه‌های حکومتی امیرالمؤمنین علی (ع) و بیانیه‌ی گام دوم انقلاب پرداخته شده است.

در این مطالعه که اساس آن برطبق بیانات امام علی (ع) و گزارش‌های تاریخی و منابع کتابخانه‌ای و تطبیق آن با بیانیه گام دوم انقلاب صورت گرفته است؛ نخست، سیر تاریخی حکومت علوی بررسی شده و سپس شاخصه‌های آن با حکومت اسلامی ایران را با توجه به بیانات مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب به نمایش گذاشته است.

هرچند این پژوهش از پیشینه‌ی عمومی در تکنگرایی‌های خاص در این باره به صورت ضمنی برخوردار است، چنان‌که پس از بیانیه‌ی گام دوم انقلاب، مطالب و پژوهش‌های زیادی در این زمینه نگارش شده است از جمله:

کتاب «بیانیه کوثری انقلاب»، سازمان بسیج اساتید، ۱۳۹۸؛ در این کتاب به دستاوردهای انقلاب اسلامی و عواملی که موجب پیشرفت انقلاب شده، سخن به میان آمده و در پاره‌ای از قسمت‌ها به بیانیه گام دوم نیز اشاره شده است؛



مقاله «بازنمایی درون‌گفتمانی کارآمدی جمهوری اسلامی در گام دوم انقلاب» از علیرضا خسروی، ۱۳۹۸، شماره ۳، در این مقاله به محدودیت‌های کارگزاران کارآمد در حوزه‌های موضوعی مختلف و ارتباط آن با محور تجویزی در بیانیه گام دوم پرداخته شده است؛

پژوهش «راهبردهای پیشرو در پساچهل سالگی انقلاب اسلامی» از مهدی نادری و شهره پیرانی، ۱۳۹۹، شماره ۱، در این پژوهش چهار استراتژی در دوران پساچهل سالگی انقلاب از جمله، صیانتی، پیشتازی، رقابتی و مقاومتی طرح و بررسی شده است؛

مقاله «مبانی و عوامل تحقق تغییرات اجتماعی در بیانیه گام دوم انقلاب» از شمس‌الله مریجی، ۱۳۹۸، شماره ۸۷، در این مقاله به ضرورت مبانی تغییرات اجتماعی در بیانیه گام دوم بررسی شده است؛

اثر «بیانیه گام دوم انقلاب، رهنامه پیشرفت ایرانی اسلامی» از سیدمحمد مقیمی، ۱۳۹۷، شماره ۳؛

کتاب «معنویت و اخلاق بر پایه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» به قلم، بخشیان، صداقت و حسینی سیاهکلرودی، ۱۳۹۹، در این اثر نیز تنها به بخش معنویت و اخلاق از منظر رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اشاره رفته است؛ اما مسئله اصلی هیچ‌یک از دانشوران، واری و مقایسه‌ی حکومت امام علی (ع) و حوادث و اتفاقاتی که در طی آن سال‌ها بر حکومت ایشان گذشته با انقلاب اسلامی ایران و مقایسه تطبیقی موارد ذکر شده نبوده است.

۱. شناخت تاریخ و استفاده از تجارب گذشتگان

رهبر معظم انقلاب، در بیانیه گام دوم به فرزندان ایران اسلامی توصیه می‌کند، «نادانسته‌ها را جز باتجربه‌ی خود یا گوش سپردن به تجربه‌ی دیگران نمی‌توان دانست و از تجربه‌ها درس گرفت... رهنان فکر و عقیده و آگاهی بسیارند، حقیقت را از دشمن و پیاده‌نظامش نمی‌توان شنید» (بیانیه گام دوم انقلاب). رهبر انقلاب، به جوانان پیشنهاد می‌کند که تاریخ تحولات انقلاب اسلامی را بررسی کنند تا با علم و آگاهی به‌یقین برسند. ایشان تأکید دارند که به سخنان دشمنان انقلاب و کسانی که نقاب دوستی زده‌اند اعتماد نکرده! همچنین تنها به تجربه‌ی شخصی خودشان نیز اکتفا نکنند.

در این قسمت، نامه حضرت علی (ع) به فرزندشان در خورتوجه است، «در دیار و آثار ویران رفتگان گردش کن و بیندیش که آن‌ها چه کردند... پسرم درست است که من به اندازه‌ی پیشینیان عمر نکرده‌ام؛ ولی در کردار آنان نظر افکنم، در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان سیر کردم تا آنجا که گویی یکی از آنان شده‌ام.» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱) حضرت تأکید می‌کنند که شناخت تاریخ و آنچه در گذشته اتفاق افتاده است، در زندگی و پیشرفت انسان تأثیر فراوانی دارد و باعث بصیرت و شناختی می‌شود که موفقیت در آینده را به همراه دارد.

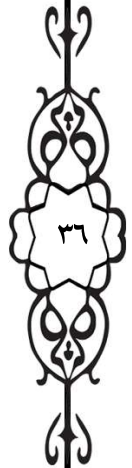
«تَسْتَقْبِلُ بَعْدَ رَأْيِكَ مِنَ الْأَمْرِ مَا قَدْ كَفَاكَ أَهْلُ التَّجَارِبِ بُعَيْتَهُ وَ تَجَرِبَتَهُ، فَتَكُونُ قَدْ كُفَيْتَ مَثَلَهُ الطَّلَبِ، وَ عَوْفِيَتَ مِنْ عِلَاجِ التَّجْرِبَةِ» امام علی (ع) در این بخش از سخنان خود به اهمیت استفاده از تجارب دیگران اشاره می‌کند،

چون زندگی چیزی جز تجربه نیست و انسان عاقل به‌جای اینکه همه چیز را خودش تجربه کند و ضایعات و مشکلات آن را بپذیرد؛ از تجارب دیگران استفاده می‌کند و آنچه را آنها آزموده‌اند و نتیجه‌اش روشن شده در اختیار می‌گیرد؛ بدون اینکه هزینه‌ای برای آن پردازد. به تعبیر دیگر همواره نسل‌های آینده از نسل‌های گذشته از این نظر سعادت‌مندترند که تجارب پیشینیان در اختیار آیندگان قرار می‌گیرد و آنچه را آنها با زحمت فراوان به دست آورده‌اند آیندگان بدون زحمت در اختیار می‌گیرند.

۲. گسترش علم و پژوهش

احادیث و روایت‌های زیادی در مورد علم و پژوهش بیان شده است. خداوند در قرآن کریم بین کسانی که می‌دانند و کسانی که جاهل‌اند تفاوت گذاشته و می‌فرماید: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر، ۹).

علم‌آموزی چنان نقش ارزنده‌ای در زندگی انسان دارد که پیامبر گرامی (ص) می‌فرمایند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» (ابن اعرابی، بی‌تا، ج ۳، ص ۹۸۵). همچنین می‌فرماید که خداوند چون برای کسی نیکی بخواهد او را عالمی ژرف‌نگر در دین می‌سازد. ایشان درجه عالم را هفتاد برابر بیشتر از عابد می‌داند، (فیض کاشانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۷) و بر همین مبنا تمام زندگی پربرکت خود را به آموزش علوم به مردم اختصاص می‌دهد.

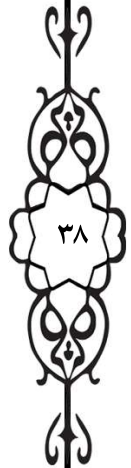


پیامبر اکرم (ص) در مواضع متعدد و حتی در آستانه رحلت، می‌خواست امیرالمؤمنین علی (ع) را به‌عنوان رهبر جامعه اسلامی معرفی کند تا جلوی اختلاف را بگیرد و مردم را در مشکلات سیاسی، علمی، دینی، اجتماعی و دیگر مسائل بی‌سرپرست نگذارد و این حقیقتی است که خلیفه دوم به ابن عباس گفت: «پیامبر در ایام بیماری خود می‌خواست علی را خلیفه کند؛ ولی من از آن جلوگیری کردم» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۲، ص ۷۸-۷۹). خلفا، رشد علمی و فرهنگی جامعه را به حال خود سوگند نمی‌دانستند و از هرگونه بالندگی علمی جلوگیری می‌کردند. گسترش علم در میان مردم موجب تنزل مقام خلفا می‌شد؛ زیرا آنان دارای علم لدنی نبودند و این در برابر علم امام علی (ع) که دروازه‌ی علوم بود «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا» (ابونعیم، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۴۴۲) یک نقص محسوب می‌شد.

خلیفه دوم، وقتی با ابوبکر بیعت کرد یکی از ویژگی‌های ابوبکر برای خلافت را مال و ثروت فراوان او بیان کرد. (دینوری، ۱۴۱۰، ص ۲۶) با این تفاوت که حضرت علی (ع) علم را بهتر از ثروت می‌دانست و معتقد بود: «دانش بهتر از مال است؛ زیرا که علم نگاهبان تو است و مال را تو باید نگاهبان باشی. مال با هزینه‌کردن کم آید؛ ولی دانش با بخشش زیاد شود» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۴۷).

با این استناد که در نهج‌البلاغه، نکات علمی فراوانی وجود دارد که توجه به پدیده‌های طبیعی از جمله شگفتی‌های علمی امام علی (ع) است و مردم را به تفکر و تعقل در آفریده‌های خدا فراخوانده است، گزاره‌هایی چون اشاره به آغاز خلقت جهان، خلقت موجودات زنده، متحرک بودن زمین، حرکت وضعی زمین و... که حدیث رسول گرامی اسلام (ص) را در ذهن تداعی می‌کند: «من شهر علم هستم و علی دروازه‌ی آن است هرکس می‌خواهد وارد این شهر شود باید از دروازه‌ی آن داخل گردد» (قمی، ۱۴۰۴، ص ۶۸). یادگیری علم به‌قدری نزد حضرت علی (ع) اهمیت داشت که به مردم سفارش می‌کرد: «خُذُوا الْحِكْمَةَ وَ لَوْ مِنْ أَهْلِ النِّفَاقِ» حکمت را هر جا باشد فراگیر، حتی اگر در نزد منافق باشد. (نهج‌البلاغه، حکمت ۸۰)

حضرت علی (ع) دایره‌ی دانش را گسترده و شعاع‌هایش را بسیار می‌دانست که هرچه انسان تلاش کند و به علم جدیدی دست یابد دوباره باب تازه‌ای در علم برایش باز می‌شود و انتهایی ندارد. به‌این‌ترتیب دایره علم و دانش هیچگاه بسته و محدود نیست: «هر آوندی بدانچه در آن نهند تنگ



شود جز آوند دانش که هر چه در آن نهند فراخ‌تر گردد» (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۰۵). جرج جرداق مسیحی نوشته است: «دانشی در عرب وجود ندارد مگر آنکه اساسش را علی (ع) پایه‌گذاری کرده یا در وضع آن سهیم و شریک بوده است (جرج جرداق، ۱۳۸۷، ص ۱۶۹) و همه فضلا در علوم به امام علی (ع) استناد می‌کردند» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ص ۲۶۶). ابن مسعود می‌گوید: «ما در صحبت‌هایی که داشتیم می‌گفتیم که داناترین اهل مدینه به امر قضا علی بن ابی‌طالب است» (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۶). بزرگ‌ترین مفسران صحابه چون: ابن عباس، ابن مسعود، ابی بن کعب نیز به علم امام در زمینه تفسیر اعتراف کرده و دانش خود را وام‌دار علی (ع) می‌دانند (ذهبی، بی‌تا، ج ۱، ۶۰-۶۲). در توضیح پدیدآمدن علم نحو می‌توان گفت: امام علی (ع) از ابوالأسود دوئلی که از شاگردان ایشان بود خواست که به نحو آنچه تأسیس کرده چیزی بنویسد. ابوالأسود نیز در صفحاتی قاعده و قواعدی از علم نحو را که از حضرت آموخته بود نگاشت. امام به او فرمود: «ما احسن هذا النحو» از این رو این دانش به نحو نامبردار شد. (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۴۶) کوفه از مراکز علمی تأثیرگذار در تاریخ متقدم اسلامی است که آموزه‌های امام علی (ع) و ابن مسعود پایه نخستین این آموزه‌ها بوده است. (خطیب بغدادی، ۱۳۴۹، ج ۱۳، ص ۳۳۴) ابن مسعود با این نقش علمی، همواره خود را در مقابل علم امام خاضع نشان می‌داد (ابن‌عساکر، ۱۴۱۷، ج ۴۲، ص ۴۰۰-۴۰۱ و ۴۰۸). تربیت شاگردانی چون ابوالأسود دئلی، علی بن ابی‌رافع، عبیدالله بن ابی‌رافع (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۸۳) سلمان فارسی، حارث همدانی (رک. کاشفی، ۱۳۸۰، ص ۳۲۲) کوفه را به مرکز علمی تبدیل کرد و مکتب علمی کوفه را بنا نهاد. (محرمی، ۱۳۹۷، ص ۲۲۵)

با گذر از بحث حاضر، نگاهی به نظام شاهنشاهی و حکومت اربابی قبل از انقلاب اسلامی بیندازیم. این فرهنگ دانشگاهی و نظام علمی گذشته، به ما یاد می‌داد که درس، تخصص و مطب و شغل، همه‌وهمه باید در خدمت پول باشد. وقتی این‌گونه شد؛ نظر انسان تنها بر درآوردن پول متمرکز می‌شود. طبیعتاً در مناطق پایین‌شهر کمتر پول پیدا می‌شود پس توجه افراد به سکونت و فعالیت در مناطق اشراف نشینی بیشتر می‌شود. (خامنه‌ای، ۱۳۵۹، ص ۶)

با ظهور انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) بیشتر بر فراگیری علم و دانش تأکید کرد و پیشرفت کشور را در گرو فراگیری علم دانست. در همان اوایل انقلاب سازمان نهضت سوادآموزی به دستور امام خمینی (ره) تأسیس شد. در فرهنگ اسلامی یک فرد با هدف درس می‌خواند و از همه امکاناتش

استفاده می‌کند تا راه تازه‌ای پیدا کند، دردی را بشناسد و درمانی را بکار ببندد. (خامنه‌ای، ۱۳۵۹، ص ۶) همان‌گونه که در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب آمده است، «انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن از نقطه‌ی صفر آغاز شد. اولاً همه چیز علیه ما بود، چه رژیم فاسد طاغوت که علاوه بر وابستگی و فساد و استبداد و کوتاهی، اولین رژیم سلطنتی در ایران بود که به دست بیگانه بر سرکار آمده بود و چه دولت آمریکا و برخی دیگر از دولت‌های غربی و چه وضع به‌شدت نابسامان داخلی و عقب‌افتادگی شرم‌آور در علم، فناوری، سیاست، معنویت و هر فضیلت دیگر. انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و ترکیب جمهوریت و اسلامیت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت آن، جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه‌ی بزرگ امام خمینی (ره) به دست نیامد و این نخستین درخشش انقلاب بود. بدین‌گونه مسیر جهان تغییر یافت و زلزله‌ی انقلاب، فرعون‌های در بستر آرمیده را بیدار کرد و دشمنی‌ها با همه‌ی شدت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم‌الشان ایمان و انگیزه‌ی این ملت و رهبری آسمانی و تأییدشده‌ی امام عظیم‌الشان ما، تاب‌آوردن در برابر آن‌همه خصومت و شقاوت و توطئه و خبثات، امکان‌پذیر نمی‌شد.»

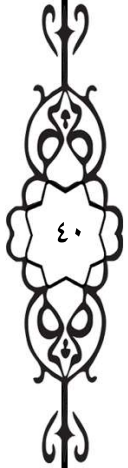
ایران پیش از انقلاب در تولید علم و فناوری، پیشرفت چندانی نداشت، در صنعت به‌جز مونتاژ و در علم به‌جز ترجمه، هنری نداشت؛ اما امروزه برجستگی محسوس در رشته‌های گوناگون مهندسی، پزشکی، فناوری و سوخت هسته‌ای و جایگاه مرجعیت در آن و ده‌ها نمونه‌ی دیگر از پیشرفت، محصول آن روحیه، حضور و احساس جمعی است که انقلاب برای کشور به ارمغان آورد.

بر اساس نتایجی که پایگاه استنادی اسکوپوس (Scopus) منتشر کرده است، تعداد مدارک علمی ثبت شده برای ایران در سال ۱۹۶۶ برابر با ۸۴۲ مورد بوده است و در سال ۲۰۱۷ تعداد مدارک علمی ایران به ۵۴۳۸۸ مورد افزایش یافته است و نسبت به سال ۱۹۹۶ رشد ۶۴ برابری را نشان می‌دهد و در این سال، رتبه ایران در جهان به رتبه ۱۶ ارتقا یافته است. لازم به ذکر است که به گزارش دو پایگاه معتبر علمی (New Scientist) و (Science Metrix) جمهوری اسلامی ایران با نرخ رشد ۱۱ برابر متوسط جهانی، رتبه نخست رشد علمی را در بین سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۰۹ دارا بوده است. (راجی و خاتمی، ۱۳۹۷، ص ۱۶۶)

۳. تلاش برای مشارکت حداکثری

میزان مشارکت مردم در امور جامعه یکی از کلیدی‌ترین پایه‌های حکمرانی صحیح به شمار می‌رود. حال، مشارکت می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم (از طریق نهادهای قانونی) انجام گیرد. البته دور از انتظار است که در نظام تصمیم‌گیری یک کشور، همه نظرات بیان شده، مورد توجه قرار گیرد؛ بلکه مشارکت به معنی آزادی ملت در بیان دیدگاه‌ها و تنوع در آن است و به عبارتی سازماندهی یک جامعه متحد و مدنی است. رابطه مردم با حکومت یک رابطه دوسویه است؛ به بیانی، مردم نسبت به حکومت وظایفی دارند و حکومت نیز نسبت به مردم وظایف و مسئولیتی دارد. کارگزاران باید در مقابل کارها و عملکردهای خود به مردم پاسخ دهند و مردم نیز در قبال حکومت وظیفه اطاعت و همراهی را دارند. حضرت علی (ع) در نامه ۵۳ به مالک‌اشتر می‌فرماید: «به مردم میدان بده تا به آرزوی مشروع خود برسند و پیوسته به نیکی یادشان نما، کسانی که با رنج و زحمت به خوبی امتحان داده و انجام‌وظیفه کرده‌اند؛ خدمتشان را یک‌به‌یک به زبان بیاور و از آنان قدردانی کن...». پاسنخگویی نهادها، سازمان‌ها و مؤسسات در چارچوب قانونی و زمانی مشخص در برابر اعضاء خود و از باب رجوع، از جمله عواملی است که به استوار شدن پایه‌های حکمرانی خوب در یک جامعه منجر می‌شود. همان‌گونه که بیان شد، فراهم کردن زمینه‌ی ظهور آرای متفاوت در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از جمله اصول حکمرانی خوب است. حکمران خوب، باید نظرات مختلف را در قالب وفاق ملی عمومی به سمتی رهنمون کند که بیش‌ترین همگرایی را با اهداف کل جامعه داشته باشد. ایفای این نقش حیاتی، نیازمند شناخت دقیق نیازهای بلندمدت جامعه در مسیر حرکت به سمت توسعه پایدار است.

رفاه و آرامش پایدار در جامعه با به‌رسمیت‌شناختن حقوق مساوی برای تمامی افراد ممکن خواهد بود. در جامعه باید این اطمینان وجود داشته باشد که افراد به تناسب فعالیت خود در منافع جامعه سهیم هستند. به عبارت دیگر در یک حکومت عادلانه، همه افراد باید از فرصت‌های برابر برخوردار باشند. از طرفی ناگفته نماند که مسئولیت‌پذیری نیز یکی از کلیدی‌ترین مؤلفه‌های حکمرانی خوب به شمار می‌رود. در کنار ارگان و نهادهای حکومتی، سازمان‌های خصوصی و نهادهای مدنی فعال در جامعه نیز باید در قبال سیاست‌ها و اقدامات خود پاسخگو باشند. در واقع اصول حکومت اسلامی به صورت زنجیره‌ای متصل به هم بوده و اجرایی شدن هرکدام از آنها، مستلزم اجرای سایر



اصول است؛ برای مثال: نمی‌توان انتظار داشت که مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی بدون وجود شفافیت و حاکمیت قانون جنبه اجرایی چندانی در جامعه داشته باشد (میدری، ۱۳۸۵، ص ۸۷۲-۲۶۱).

با عطف نظر به سخنان یاد شده، زمانی که عثمان، خلیفه سوم کشته شد، مهاجرین و انصار از امیرالمؤمنین علی (ع) خواستند تا خلافت را قبول کند. امام ابتدا از پذیرش خلافت امتناع فرمود و تمایلی به خلافت نداشت؛ اما طالبان خلافت امام (ع)، از اطراف به‌سوی او هجوم آوردند و امام به‌ضرورت خلافت را پذیرفت. (نهج‌البلاغه، خطبه ۳) شرط بیعت ایشان این بود که مردم در مسجد جمع شوند و بیعت در مقابل دید همگان باشد. امام پس از بیان شروط خود روبه مردم کرد و فرمود: آیا رضایت می‌دهید؟ جمعیت عظیمی از مردم و بزرگان، هجوم آورده و حضرت علی (ع) بعد از اعلان رضایت مردم بیعت کردند. (طبری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۴۵۰-۴۵۶) ایشان مشارکت مردمی را برای انتخاب رهبر ضروری می‌دانستند و در خطبه شششنبه دلیل قبول کردن حکومت را چنین بیان کردند: «روز بیعت فراوانی مردم؛ چون یال‌های پریشست گفتار بود که از هر طرف مرا احاطه کردند تا آنکه نزدیک بود جان حسنین بر اثر شلوغی به خطر افتد و ردای من از دو طرف پاره شد. مردم؛ چون گله‌های انبوه گوسفند مرا در میان گرفتند... به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر این بیعت‌کنندگان نبودند و یاران، حجت بر من تمام نمی‌نمودند... می‌دیدید که حکومت را پیشیزی ارزش نمی‌گذارم.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۳)

قابل‌تأمل است که پس از بیعت همگانی در مدینه، امام فرمودند: بدانید که بدون توجه به نظر شما کاری نمی‌کنم کلیدهای اموال شما با من است؛ ولی بدون نظر شما حتی یک درهم از آن را برنمی‌گیرم. (طبری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۴۵۱) علی (ع)، مشارکت و مشورت با مردم را مشارکت در عقل‌های آنان می‌دانند (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۶۱) و در امور مختلف مردم را به مشارکت دعوت می‌کردند. علی (ع) حتی از مالک‌اشتر می‌خواهند که در امر کارگزاری‌اش با دانشمندان فراوان گفتگو کند و با حکیمان فراوان سخن در میان نهد (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) ایشان معتقد است که حاکم به‌هیچ‌وجه نباید رابطه مستقیم خود را با مردم قطع کند و هرچه ارتباط مستقیم زمامدار با مردم کمتر باشد؛ مردم کمتر انتقادات و مشکلات جامعه را مطرح می‌کنند و حکومت دچار زلزله می‌شود «وَلَا تَدْخُرُوا أَنْفُسَكُمْ نَصِيحَةً وَلَا أَلْجُنْدَ حُسْنِ سِيرَةٍ وَلَا أَلرَّعِيَةَ مَعُونَةً وَلَا دِينَ اللَّهِ قُوَّةً» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۱).

مشارکت در انتخاب رهبری، مشارکت در امور کشورداری، مشارکت در مصرف بیت‌المال و... از جمله شاخصه‌های حکومتی امام علی (ع) بود.

قبل از انقلاب، خفقان سیاسی به حدی بود که فقط دو حزب «مردم» و «ایران نوین» با حمایت شاه تشکیل شده بود؛ آن هم به دستور شاه منحل شد و تنها حزب «رستاخیز» به‌عنوان تنها حزب کشور اعلام شد. جالب است که در این حزب هم با ادعای مردمی‌بودنش نقش شاه، نقشی اصلی بود. شاه در جواب انتقاد احزاب در عملکرد او (تحمیلی بودن احزاب) مردم ایران را دارای سواد لازم برای شناخت درست و تشکیل حزب‌ها از درون مردم ندانست. (پهلوی، ۱۳۴۹، ص ۳۳۶-۳۳۷) در دوران معاصر نیز «انقلاب اسلامی ایران به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار به‌شدت تحقیر شده و به‌شدت عقب‌مانده بود در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت، در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده‌ی ملی را که جان‌مایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد.» (نک، گام دوم) انقلاب، مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید.

۴. ارتقای بینش سیاسی آحاد مردم

اندکی پس از آغاز خلافت علی (ع)، جنگ جمل به سرکردگی طلحه و زبیر، دو صحابی پیامبر (ص) و با حمایت عایشه اتفاق افتاد. علی (ع) مرتب اخبار شورش را دریافت می‌کردند و با سخنرانی و خواندن خطبه به افشاسازی عملکرد ناکثین می‌پرداختند. ایشان برای بالابردن بینش سیاسی مردم و شناخت حق و باطل، علت شورش ناکثین را چنین بیان کردند: «این حادثه رخ داد و محرک آن مردمی بودند که طالب دنیا بودند و به کسانی که خدا آن را به سبب فضیلت غنیمتشان کرده بود حسد می‌بردند و می‌خواستند کارها را به حال اول (جاهلیت) باز گردانند؛ اما خدا آنچه بخواهد می‌کند» (طبری، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۴۹۳).

علی (ع) بعد از پیروزی در جنگ جمل مردم را دعوت به توبه و جبران مافات کردند و فرمودند: «چنان نیست که ندانید چگونه رشته طاعت را باز و دشمنی را آغاز کردید. من گناهکار شما را بخشودم و از آنکه رو برگردانده، شمشیر برداشتم و آن را که روی آورده قبول نمودم... باین‌همه،

من فرمان‌برداران شما را ارج می‌گذارم و پاس حرمت خیرخواهان شما را دارم. نه بی‌گناه را به‌جای گناهکار می‌گیرم و نه پیمان‌شکن را به‌جای پیمان‌گزار می‌پذیرم» (نهج‌البلاغه، نامه ۲۹).

در بیانیه گام دوم نیز آمده است: «انقلاب اسلامی بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی را به‌گونه‌ی شگفت‌آوری ارتقا داد. تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین‌المللی در موضوعاتی همچون جنایات غرب به‌خصوص آمریکا، مسئله‌ی فلسطین و ظلم تاریخی به آن ملت، مسئله‌ی جنگ‌افروزی‌ها و رذالت‌ها و دخالت‌های قدرت‌های قلدر در امور ملت‌ها و امثال آن را از انحصار طبقه‌ی محدود و عزلت‌گزیده‌ای به نام روشنفکر بیرون آورد؛ این‌گونه روشنفکری میان عموم مردم در همه‌ی کشور و همه‌ی ساحت‌های زندگی جاری شد و مسائلی از این دست حتی برای نوجوانان و نونهالان روشن و قابل‌فهم گشت».

همان‌طور که علی (ع) سعی کرد پس از جنگ جمل شبهات را بزدايد و فضا را برای مردم شفاف‌سازی کند؛ انقلاب نیز تلاش کرد تا چهره‌ی منفور آمریکا و استکبار جهانی را به مردم بشناساند و فضا را برای مردم شفاف‌سازی کند.

۵. توجه به عدالت اجتماعی

عملکرد خلیفه‌ی سوم و طرح خویشاوندسالاری او در رأس کار حکومتی، به‌وفور در تاریخ به ثبت رسیده است. عثمان، حاکمان منصوب از سوی عمر را تغییر داد و نزدیکان خود را به‌جای آن‌ها منصوب کرد. او کسانی را روی کار آورد و سمت‌های حکومتی به آن‌ها داد که سابقه‌ی خوبی نداشتند و از لحاظ مالی، سیاسی و دینی نیز فاقد تقوای لازم بودند. او معاویه را علی‌رغم فساد مالی و اخلاقی‌اش همچنان به حکومت شام باقی گذاشت و عبدالله بن ابی‌سرح را به حکومت مصر منصوب کرد و کوفه را به برادر مادری خود، ولید بن عقبه داد. درحالی‌که وی در عصر رسول‌خدا (ص) مرتد شده و پیامبر (ص) امر به قتل او داده بود. (استرآبادی، ۱۳۷۴، ص ۴۰۹)

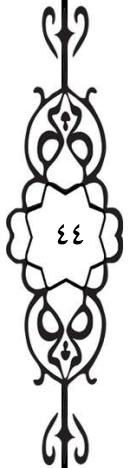
عثمان، حکومت ولایات و شهرها را به خویشاوندان خود داد، زمین‌های مزروعی و املاک فراوانی به آنان بخشید و از بیت‌المال و خراج و صدقات در اختیار آنان قرار داد و دست آن‌ها را باز گذاشت و آنان نیز از مزایای حکومتی و اموال عمومی استفاده نامشروع کردند. او مروان بن حکم را که از خاندان اموی و پسرعمویش بود و در زمان پیامبر و به دستور آن حضرت، پدرش به طائف

تبعید شده و مورد نفرین پیامبر (ص) بود؛ به مدینه بازگرداند و مشاور خود قرارداد. (ابن اعثم، ۱۴۰۶، ص ۳۱۶) همچنین تمام درآمدهای آفریقا را به عبدالله بن ابی سرح بخشید بدون اینکه مسلمانی در آن سهم داشته باشد. در این هنگام زید بن ارقم، خزانه‌دار بیت‌المال، نزد او آمد و کلید خزانه را به وی رد کرد و گریست. عثمان گفت: شما گریه می‌کنید؟ من صله‌رحم به جای آوردم! (ثقفی کوفی، ۱۳۷۳، ص ۴۸۳).

امام علی (ع) برعکس خلفا، در مصرف بیت‌المال، سخت‌گیر بود؛ تا جایی که برخی به آن حضرت ایراد می‌گرفتند که علی (ع) انعطاف‌ناپذیر است و بیش از حد در مسائل دقیق و ریز است؛ به‌خصوص در مواردی که مربوط به احکام شرعی و حقوق مردم و بیت‌المال باشد. اولین سخنان علی (ع) بعد از بیعت همگانی این بود: «گروهی که دنیا آن‌ها را در خود غرق کرده و برای خود املاک و نهرها و اسبان عالی و کنیزکان تهیه کرده‌اند، فردا وقتی همه‌ی این‌ها را از آنان می‌گیرم و به بیت‌المال برمی‌گردانم و به اندازه حقشان به آن‌ها می‌دهم؛ نگویند علی ما را فریفت؛ اول چیزی گفت و الان به‌گونه‌ای عمل می‌کند.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵) در روز دوم بیعت، امام برنامه‌های فعالیت خود را در ترک تبعیض اعلان کردند. فردای آن روز مردم حاضر شدند و علی (ع) به کاتبش گفت: از مهاجران شروع کن و بعد انصار و به هرکس از مردم، از سفید و سیاه، سه دینار بده. (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۷) حضرت خطاب به مالک می‌فرمایند: «اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى» از خدا در قبال طبقه محروم اجتماع و مساکین و فقرا بترس. چه‌بسا در این طبقه افراد آبرومندی هستند که از لحاظ اقتصاد زندگی در مضیقه‌اند. سپس فرمود: «فَإِنَّ لِلْأَقْصَى مِنْهُمْ مِثْلَ الَّذِي لِلْأَدْنَى» از محرومان و فقرا که در دورترین نقطه مملکت است، همان حقی را دارد که نزدیک‌ترین آنها به شما دارد.

در دولتی که به نام دولت دینی مزین است؛ تمامی فقرا و نیازمندان چشم امیدشان به دست مسئولین و دولتمردان است، چراکه شعار همیشگی مسئولین چنین حکومتی، در اولویت قراردادن نیازمندان بوده و تمام سعی‌شان نیز همین است. کارگزاران حکومت دینی خود را ادامه‌دهنده راه علی (ع) می‌دانند.

قابل توجه است که بر اساس مستندات بانک جهانی، حدود ۶۰ درصد از روستاییان و ۳۰ درصد از شهرنشینان ایران و با توجه به نسبت بالای روستاییان، تقریباً ۴۶ درصد از تمام جمعیت ایران در



سال ۱۹۷۷ م زیر خط فقر قرار داشته‌اند. در زمان پهلوی میلیون‌ها دلار از بیت‌المال مسلمین صرف میهمانی‌ها و جشن‌های سالانه حکومت می‌شد درحالی‌که افرادی در مناطق ایران به نان شب محتاج بودند. (نک، راجی و خاتمی، ۱۳۹۷، ص ۵۴ و ۱۰۵) اما انقلاب اسلامی، کفه عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد. رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب، این ره‌آورد را این‌گونه توصیف می‌کند: «واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه با هیچ دوره گذشته، قابل مقایسه نیست.

در رژیم طاغوت بیشتر خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت‌نشینان یا همسانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور بود. مردم بیشتر شهرها و به‌ویژه مناطق دوردست و روستاها در آخر فهرست و غالباً محروم از نیازهای اولیه زیرساختی و خدمت‌رسانی بودند. جمهوری اسلامی ایران در شمار موفق‌ترین حاکمیت‌های جهان در جابه‌جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه جای کشور و از مناطق مرفه‌نشین شهرها به مناطق پایین دست آن بوده است. البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود بسی برتر از اینها است و چشم امید برای اجرای آن به سوی جوانان است». رهبر انقلاب اسلامی در طی سخنرانی فرمودند: با فساد و تخلفات مالی بی‌محابا برخورد کنید؛ البته عرض کردیم بی‌محابا و با شجاعت و قاطعیت برخورد کردن، معنایش بی‌درایتی در نوع برخورد نیست! اینها را باید با هم جمع کنید. هر دو طرف این کفه متوازن بایستی دیده شود. (۱۳۸۵/۶/۶) (بخشیان و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۸۴)

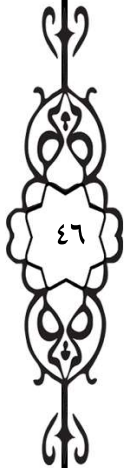
۶. اقتصاد مقاومتی در سیره امام علی (ع)

اقتصاد مقاومتی ایران، شکلی از نظام اقتصادی اسلام است که ایده آن برای رفع مشکلات اقتصادی ایران از سوی آیت‌الله خامنه‌ای ارائه گردید. از نظر رهبری: «اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار یا شرایط تحریم، سپس تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن آنها و در شرایط آرمانی تبدیل فشارها به فرصت‌ها که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه، پیش شرط و الزام آن هستند. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید بر مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان در تاریخ ۱۳۹۱/۵/۱۶).

ریشه‌دار بودن اقتصاد مقاومتی در اقتصاد اسلامی از یک‌سو و فرصت حکومت‌داری امام علی (ع) از سوی دیگر، توجه ویژه به سخنان و سیره‌ی آن حضرت در عرصه‌ی اقتصادی ایجاب می‌نماید که این دستورالعمل‌ها برای پیشرفت ایران اسلامی به کار گرفته شود. در نهج‌البلاغه غایت اقتصاد، رفع فقر و فاصله‌ی طبقاتی و تشویق به استقلال اقتصادی بیان شده است. امام علی (ع) در تمام زندگی خود از کارکردن دست نکشیدند؛ حتی در زمانی که به‌عنوان خلیفه‌ی مسلمین در رأس حکومت قرار داشتند. ایشان کار را جوهره‌ی انسان و کارکردن برای کسب درآمد و تأمین معاش زندگی را مجاهده در راه خدا می‌دانستند. (کوثری، ۱۳۹۷، ص ۱۴) در مدت‌زمان خلافت امام علی (ع) با سیاست‌های اقتصادی حضرت، جامعه، به‌خصوص طبقه فرودست، مورد توجه قرار گرفت.

حضرت علی (ع) شخصاً به بازارها سرکشی می‌کردند و به کار تجار و فعالان اقتصادی نظارت داشتند «روزی امام علی (ع) در بازار بصره متوجه مردی شدند که در حال خرید و فروش بود. حضرت قدری در کار او نگاه کرد و سخت گریست. سپس فرمودند: ای اهل دنیا، روز قسم می‌خورید و شب می‌خوابید و زمان می‌گذرد، درحالی‌که از آخرت غافلید. پس چه هنگام می‌خواهید توشه بگیرید و برای آخرت فکری کنید؟ فردی به حضرت عرض کرد: ای امیرالمؤمنین، ما چاره‌ای از تهیه معاش نداریم، پس چه کنیم؟ امام فرمود: معاش از راه حلال، انسان را از تلاش برای آخرت غافل نمی‌کند. پس اگر بگویید ما ناگزیر از احتکار هستیم، معذور نخواهید بود» (مفید، ۱۴۱۳، ص ۱۱۹) ایشان تمام تلاش خود را انجام می‌دادند تا رونق اقتصادی را از طریق مشروع برای جامعه فراهم آورند.

پرداخت مالیات یکی از مقوله‌هایی است که عزم ملی را می‌طلبد تا با کاهش وابستگی اقتصادی مانع وابستگی به اغیار شوند. حضرت علی (ع) درباره ضرورت تبلیغ و توجیه مردم نسبت به پرداخت مالیات در نامه ۵۳ می‌فرمایند: «امور مردم جز با سپاهیان استوار نمی‌گردد و پایداری سپاهیان جز به خراج و مالیات رعیت انجام نمی‌شود که با آن برای جهاد با دشمن تقویت گردند و برای اصلاح امور خویش به آن تکیه کنند و نیازمندی‌های خود را برطرف سازند» پس مردم با پرداخت مالیات می‌توانند در جهت تقویت بنیه اقتصاد جامعه مؤثر باشند. ناگفته نماند که اگر مردم مطمئن باشند که مالیات‌ها صرف آبادی جامعه می‌شود، خودشان با میل و رغبت این کار را انجام می‌دهند. حضرت در این باره نیز می‌فرمایند: «مالیات و بیت‌المال را به گونه‌ای واریسی کن که صلاح مالیات دهندگان



باشد. زیرا بهبودی مالیات و مالیت‌دهندگان عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه می‌باشد و تا امور مالیات‌دهندگان اصلاح نشود، کار دیگران نیز سامان نخواهد گرفت».

در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب با تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور، مبتنی بر تولید آینده و باکیفیت درون‌زایی اقتصاد کشور و مولد شدن آن، توزیع عدالت‌محور، تأکید بر طهارت اقتصادی و اصلاح بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن و رعایت اولویت‌ها، مصادیقی از توصیه‌های مدیریت اقتصادی علی (ع) است. همچنین تأکید بر قاطعیت و حساسیت دستگاه‌های نظارتی و دولتی بر پیشگیری از فساد و مبارزه با رشد آن، داشتن دستگاهی کارآمد و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه، مصادیقی از توصیه‌های امام علی (ع) در مورد وظایف رهبر نسبت به کارگزاران در مدیریت اقتصادی است. برحذر بودن از شیطان، حرص و لقمه حرام و کمک خواستن از خداوند در این باره از دیگر تأکیدات بیانیه‌ی گام دوم است که با توصیه‌های امام علی (ع) در مورد مسئولیت دولت در مبارزه با ظلم اقتصادی هماهنگی دارد (نک، نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

علی (ع)، پیشرفت، پایداری و دوام جامعه اسلامی و تحقق عدالت را در گرو کار عقلانی و برنامه‌ریزی تولید می‌داند و با سستی و تنبلی به شدت مخالفت می‌ورزد. ایشان کار و تولید را مایه‌ی رونق جامعه و پیشرفت اقتصادی می‌داند و می‌فرماید: «از مردی که در کار دنیای خود تنبل باشد نفرت دارم». (کوثری، ۱۳۹۷، ص ۱۴)

امیرالمؤمنین (ع)، رونق تولید را تنها منحصر به امور اقتصادی و کشاورزی نمی‌داند! بلکه در زمینه‌های مختلف فرهنگی اجتماعی و عمرانی نیز به این امر اهتمام می‌ورزد. امام، رونق تولید را در ساخت مسجد، احداث مسکن، حفر چاه و قنات، تدوین کتاب و... محقق می‌سازد. کمک به نیازمندان جامعه و تأمین نسبی رفاه شهروندان از طریق رونق تولید از سیاست‌های اساسی و ثابت امیرالمؤمنین علی (ع) است که در نهج‌البلاغه به آن اشاره شده است (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

انقلاب اسلامی نیز در عرصه‌های مختلف اقتصادی پیشرفت‌های چشمگیری داشته است. در همان اوایل انقلاب، سازمان جهاد سازندگی به دستور امام خمینی (ره) تأسیس گردید و در جای‌جای کشور ایران شروع به فعالیت کرد. از شهرهای مرزی و مناطق جنگی گرفته تا روستاهای دورافتاده و رونق اقتصادی و آبادانی را برای کشور به ارمغان آورد.

در بیانیه‌ی گام دوم نیز اشاره به پیشرفت اقتصادی کشور در زمینه‌های مختلف هویداست، «انقلاب اسلامی موتور پیشران کشور در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تاکنون ثمرات بالنده‌ی آن روزبه‌روز فراگیرتر می‌شود. هزاران شرکت دانش‌بنیان، هزاران طرح زیرساختی و ضروری برای کشور در حوزه‌های عمران و حمل‌ونقل و صنعت و نیرو و معدن و سلامت و کشاورزی و آب و غیره، میلیون‌ها تحصیل‌کرده دانشگاهی یا در حال تحصیل، هزاران واحد دانشگاهی در سراسر کشور، ده‌ها طرح بزرگ از قبیل چرخه‌ی سوخت هسته‌ای، سلول‌های بنیادی، فناوری نانو، زیست‌فناوری و غیره با رتبه‌های نخستین در کل جهان، شصت برابر شدن صادرات غیرنفتی، نزدیک به ده برابر شدن صنایع از نظر کیفی، تبدیل صنعت مونتاژ به فناوری بومی، برجستگی محسوس در رشته‌های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع دفاعی، درخشش در رشته‌های مهم و حساس پزشکی و جایگاه مرجعیت در آن و ده‌ها نمونه‌ی دیگر از پیشرفت، محصول آن روحیه و آن حضور و آن احساس جمعی است که انقلاب برای کشور به ارمغان آورد» (نک، بیانیه گام دوم انقلاب).

۷. گسترش معنویت و اخلاق

امام علی (ع) مظهر فضائل و برکات و صفات برجسته و بارز الهی است. حقیقت آن است که کسی جز معصوم توان بیان فضائل آن حضرت را ندارد چه رسد به درک شخصیت والای آن حضرت. علی (ع) فضائل اخلاقی بسیاری دارند که زبان از بیان آن‌ها قاصر است. در حکومت امیرالمؤمنین به مأمورین دولتی و مسئولین حکومتی در زمان انتصاب بسیار سفارش شده است که اصول اخلاقی و اجتماعی را رعایت کنند و حضرت به آنها هشدار می‌دهد که تا وقتی به این مسائل پایبند باشند در جایگاه خود باقی می‌مانند و چنانچه عملکردی ناشایست داشته باشند باید علت تخطی خود را بیان نموده و از کار برکنار شوند. برای نمونه به محمد بن ابی‌بکر، هنگام اعزام به مصر فرمودند: «فَاخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَ اَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ وَ اَبْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ وَ اَسْ بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَ النَّظْرَةِ حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعُظْمَاءُ فِي حَيْفِكَ لَهُمْ وَ لَا يَبْأَسَ الضُّعَفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ عَلَيْهِمْ» با مردم فروتن باش، نرم‌خو و مهربان باش، گشاده‌رو و خندان باش. در نگاه‌هایت، و در نیم‌نگاه و خیره‌شدن به مردم، به تساوی رفتار کن، تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند و ناتوان‌ها در عدالت تو مأیوس نگردند (نهج‌البلاغه، نامه ۲۷).

مردم با مشاهده عملکرد و رفتار حضرت از او الگو گرفتند. شخصیت حضرت علی (ع) به گونه‌ای بود که به هیچ کس امری نمی‌کرد مگر اینکه اول خودش به اجرای آن حکم پایبند باشد، «أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْتَكُمُ عَلَى طَاعَةِ إِلَّا وَ أَسِقُّكُمْ إِلَيْهَا وَ لَا أَنهَاكُمُ عَنْ مَعْصِيَةِ إِلَّا وَ أَتَنَاهِي قَبْلَكُمْ عَنْهَا» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷). ایشان در نامه‌ای به یکی از کارگزارانش نوشت: «کاری که به عهده توست نان‌خورش تو نیست بلکه بر گردنت امانتی است. آن که تو را بدان کار گمارده، نگرهبانی امانت را به عهده‌ات گذارده. تو را نرسد که آنچه خواهی به رعیت فرمایی و بی دستوری به کاری دشوار در آیی» (نهج البلاغه، نامه ۵).

سیره امام (ع) مملو از ارزش‌های والای اخلاقی بود و سعی می‌کرد آن را در جامعه به مرحله‌ی ظهور برساند. از جمله داستانی که می‌توان از معنویت و اخلاق سراغ گرفت داستان سفارش‌های امام علی (ع) به کمیل بن زیاد نخعی است: «با علی (ع) در مسجد کوفه بودم. بعد از نماز حضرت دست مرا گرفت تا از شهر خارج شدیم؛ چون به بیابان رسیدیم امام نفسی تازه کرد و فرمود: ای کمیل این قلب‌ها ظروفی هستند و بهترینشان با ظرفیت‌ترین آنهاست آنچه می‌گویم به‌خاطر بسپار، مردم بر سه قسم‌اند ۱- دانش یافتگان هدایت‌یافته از جانب خدا ۲- فراگیرندگان دانش که راه نجات را در پیش گرفته‌اند ۳- افراد نادان که به هر سو متمایل شده و هر بانگی را پیروی می‌کنند... آنگاه به سینه‌ی مبارک خود اشاره کرد و فرمود: آه در اینجا علوم فراوانی است؛ ولی حاملی برای آنها نمی‌یابم، کمیل هر روز نام خدا را بر زبان جاری کن و بر خدا توکل کن، ما را یاد کن، نام ما را ببر و بر ما درود فرست. پیغمبر را خدا ادب آموخت و مرا پیامبر و من مؤمنان را تربیت خواهم نمود. به هنگام غذا نام خداوند را بر زبان جاری کن و غذای خود را با دیگران بخور و بخل نوز. بر سر سفره، خوش‌خوی باش و همنشینت را خشنود ساز. برکت در مال کسی است که زکات دهد. با مؤمنان برادری و با خویشان پیوند کند. مؤمن، آئینه مؤمن است؛ در وجود او می‌نگرد تا نیازش را برطرف سازد. تنگدستی خود را اظهار نکن و با عزت‌نفس برای خداوند صبر کن. در هر حال حق بگو و با پرهیزکاران طرح دوستی بریز و از فاسقان و منافقان دوری کن» (بحرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۶۳-۲۶۷).

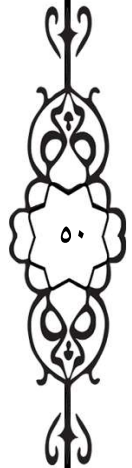
«انقلاب اسلامی نیز عیار معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه را به گونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده‌ی مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی (ره) در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد. آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های

مادی، در رأس کشور قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود؛ هرچند دست تطاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجنزاری از آلودگی اخلاقی کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی به‌ویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدت‌های جوانان در میدان‌های سخت از جمله دفاع مقدس با ذکر و دعا و روحیه‌ی برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی و زیارت و مراسم‌های گوناگون دین انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه‌جا به‌ویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزه‌روز پیشرفت و باکیفیت‌تر شده است و این‌ها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پرحجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده عالم منزوی کرده است» (بیانیه گام دوم).

۸. برخورد کریمانه با مخالفین داخلی

با آغاز خلافت امام علی (ع) در فاصله‌ی چند ماه، جنگ جمل اولین جنگ میان دو گروه بزرگ از مسلمانان اتفاق افتاد. زیاده‌خواهانی که به آرزوی خود دست نیافته بودند و جایگاه و موقعیت خود را در خطر می‌دیدند دست به شورش زدند. گروه پیمان‌شکن به سردستگی طلحه و زبیر و عایشه با ادعای اصلاح در دین و خون‌خواهی عثمان پرچم مخالفت با علی (ع) را برافراشتند و راهی بصره شدند و جنگ جمل را با آن‌همه عواقب زیان‌بار به راه انداختند.

شواهد و نشانه‌های تاریخی نشان می‌دهد که گروه ناکثین زمینه جنگ بین مسلمین را فراهم نمودند و تا می‌توانستند بر طبل جنگ کوبیدند و همه‌ی راه‌ها را برای صلح و برادری بین دو گروه از مسلمانان بستند. در این زمینه امام علی (ع) تدابیری را برای جلوگیری از جنگ و خون‌ریزی انجام دادند که این شیوه و سنت نیکو در سراسر زندگی امام علی (ع) همچون ماجرای سقیفه و گذشتن از حق خویش و نیز شیوه‌ی مواجهه‌ی آن حضرت با مارقین و قاسطین و ناکثین به چشم می‌خورد. امیرالمؤمنین، تمام تلاش خود را برای برقراری صلح انجام دادند. همان‌گونه که در جواب پسر رفاعه بن رافع که پرسید: ای امیرالمؤمنین، چه می‌خواهی و ما را به کجا می‌بری؟ امام فرمودند: «آنچه



می‌خواهیم و قصد داریم صلح است؛ اگر از ما بپذیرند و دعوت ما را اجابت کنند صبر می‌کنیم و تا با ما کاری نداشته باشند، با آن‌ها کاری نداریم، ولی اگر اقدام به جنگ کنند از خود دفاع خواهیم کرد» (طبری، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۴۷۹). علی (ع) به‌رغم اطمینان به وضعیت نظامی، هیچ فرصتی را برای گفت‌وگو با سران شورش از دست نداد. امام علی (ع) حاضر نشدند تا آغازگر جنگ باشند؛ زیرا مبنای اساسی در نزد امیرالمؤمنین، علی (ع) صلح و اتحاد بین مسلمین بود. هر فرمانده نظامی در چنین وضعیتی قدرت تحمل خود را از دست می‌داد و فرمان حمله را صادر می‌کرد؛ اما علی (ع) رو به سپاه خود کرد و گفت: «تا ایشان کسی از شما را نکشته‌اند جنگ را آغاز نکنید. اگر گریختند از اموال آنان چیزی نگیرید و بر زخمیان و مجروحان تندی و بدرفتاری نکنید و اگر کسی گریزان شد و پشت کرد در پی او نروید و هرکس اسلحه‌ی خویش را افکند او در امان است.» (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۲۴۳)

عاقبت جنگ جمل اتفاق افتاد و با کشته‌شدن دو سردسته‌ی بزرگ، طلحه و زبیر و پی‌کردن شتر عایشه به شکست ناکتین منجر شد. (سبحانی، ۱۳۸۶، ص ۴۵۱) در جنگ جمل با اینکه سپاه ناکتین چندبرابر سپاه امیرالمؤمنین بود و پشتیبانی مالی و نظامی فراوانی از سوی خویشاوندان عثمان از جمله یعلی بن مُنیّه، ابن عامر و مروان بن حکم صورت گرفت؛ اما لشکر امام علی (ع) با ایمانی راسخ و صبر و استقامت و رهبری امام علی (ع) توانست بر لشکر دشمن ظفر یابد و آنان را درهم شکند.

قابل‌تأمل اینجاست که ایشان در برابر این‌همه ناجوانمردی بازهم تمام مخالفان را عفو نمودند و شمشیر انتقام را از آن‌ها برداشتند و بزرگواران مردم را به توبه و جبران اشتباهات دعوت کردند. (طبری، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۵۲۹) این الگوبرداری در سخنان امام خمینی (ره) مبنی بر رفتار با اُسرا و منع آغاز جنگ با عراق نیز نمایان است.

۹- مقاومت در برابر استعمار و استکبار

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کشور عراق با پشتیبانی قدرت‌های استکبار جهانی به ایران حمله کرد. ایران آغازگر جنگ نبود؛ اما وظیفه‌ی دینی خود را دفاع از آب‌و‌خاک وطن می‌دانست. به فرمان امام خمینی (ره) بسیج مردمی برای دفاع از خاک و کیان ایران راه‌اندازی شد. نیروهای ایران با تمام قوا و با ایمانی راسخ به مقابله با مهاجمان برخاستند و با وجود کمبود امکانات و مشکلات مالی

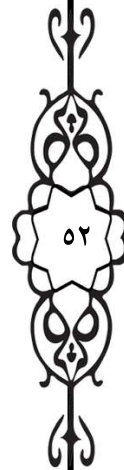
و نظامی توانستند دشمن را از ایران اسلامی برانند. این جنگ که ۸ سال طول کشید کشته‌های زیادی از دو گروه داشت و عاقبت با پیروزی جمهوری اسلامی ایران پایان یافت.

انقلاب، ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها را که آماج تهدید جدی دشمنان قرار گرفته بود؛ ضمانت کرد و معجزه‌ی پیروزی در جنگ هشت ساله و شکست رژیم بعثی و پشتیبانان آمریکایی و اروپایی و شرقی او را پدید آورد.

رهبری در بیانات گام دوم انقلاب به این موارد نیز اشاره کردند: «انقلاب اسلامی ملت ایران، قدرتمند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است. انقلاب مرتکب افراط‌ها و چپ‌روی‌هایی که مایه‌ی ننگ بسیاری از قیام‌ها و جنبش‌ها است نشده و در هیچ معرکه‌ای حتی با آمریکا و صدام گلوله‌ی اول را شلیک نکرده و در همه‌ی موارد پس از حمله‌ی دشمن از خود دفاع کرده است تا به امروز بی‌رحم و خون‌ریز نبوده و نه منفعل و مردد با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردن‌کشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروّت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه‌ی عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی است و همواره چنین باد».

نماد پرابهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جنایت‌کار، روزبه‌روز برجسته‌تر شد. در تمام این چهل سال تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته‌ی آن در مقابل دولت‌های مستکبر و متکبر خصوصیت شناخته‌شده‌ی ایرانی به‌ویژه جوانان این مرزوبوم به شمار می‌رفته است. قدرت‌های انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال‌کردن منافع حیاتی آن‌ها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند در برابر ایران اسلامی و انقلابی اعتراف به ناتوانی کردند. ملت ایران در فضای حیات‌بخش انقلاب توانست نخست دست‌نشانده‌ی آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن‌هم تا امروز از سلطه‌ی دوباره‌ی قلدران جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند.

لازم به ذکر است که بسیاری از تحلیل‌هایی که رادیوهای بیگانه درباره مسائل گوناگون در فضای کشورها می‌پراکنند؛ برای این است که نخبگان کشورها را مرعوب کنند. آنها احساس می‌کنند که



نمی‌توانند کاری بکنند و دستشان بسته است؛ پس به‌گونه‌ای تبلیغ می‌کنند که ملت، نیروی عظیم مردم را نبینند؛ قدرت جغرافیایی و توانایی‌های فرهنگی خود را نبینند؛ همه‌اش چشمشان به دست دشمن و قدرت دشمن و موشک دشمن و اقتدار دشمن باشد (۱۳۸۰/۱۰/۱۹) (بخشیان، ۱۴۰۰، ص ۲۸۶).

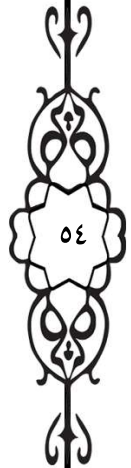
نتیجه‌گیری

ادعای این نوشتار، آن است که انقلاب چهل‌ساله‌ی ما وجه اشتراکات بسیاری با حکومت امام علی (ع) دارد. با مقایسه‌ی اجمالی بین دستاوردهای حکومت چهار سال و نه‌ماهه‌ی امام علی (ع) و چهل‌مین سالگرد انقلاب اسلامی ایران، این نتیجه حاصل شد که تقریباً تمام حوادث و اتفاقاتی که در طی دوران حکومت علی (ع) به وقوع پیوسته و تدابیر و سیاست‌های امام علی (ع) برای برقراری جامعه‌ای سراسر عدل و برابری در طی خلافت خود، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز توسط امام خمینی (ره) و بعد از ایشان آیت‌الله خامنه‌ای به‌کار گرفته شده است و دستاوردهای قابل‌ملاحظه‌ای در طی این چهل سال داشته است. اگرچه مؤلفه‌های بیانیه‌ی گام دوم انقلاب، کاملاً تحقق نیافته‌اند و کم‌وکاستی‌هایی نیز وجود داشته و دارد که نیاز است برای تحقق کامل این مؤلفه‌ها و منویات مقام معظم رهبری (دامت‌برکاته) بیش‌ازپیش تلاش شود؛ اما بسیاری از جمله، گسترش علم و پژوهش، جلوگیری از جنگ و خون‌ریزی، دفاع از اسلام و مرزهای کشور، عبرت‌آموزی از تاریخ‌گذشتگان، اقتصاد مقاومتی، مشارکت مردمی و... از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که در مدت خلافت امام علی (ع) به آن سفارش شده است و در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی نیز از این مؤلفه‌ها نام‌برده شده است و حکومت اسلامی توانسته است در پیشبرد آن تا حدود زیادی موفق عمل نماید.

با مطالعه‌ی اتفاقاتی که از آغاز حکومت امام (ع) رخ داده است تا زمان جنگ جمل، برآورد می‌شود که امام علی (ع) در حالی خلافت را قبول کرد که سنت‌های جاهلی و بدعت‌ها جامعه را فراگرفته بود. بیت‌المال مسلمین، صرف تجملات و خوش‌گذرانی‌های خلیفه سوم و خویشاوندانش می‌شد و فریادرسی برای مظلومان نبود. امام علی (ع) در جمع مهاجرین و انصار و پس از بیعت همگانی به خلافت رسیدند و پس از به دست‌گرفتن حکومت، برابری نژادی و تقسیم بیت‌المال به‌صورت تساوی را مطرح کردند و تلاش کردند که سنت‌های الهی را دوباره احیا کنند.

انقلاب اسلامی ایران نیز در حالی به وقوع پیوست که نظام طاغوت غرق در خوش‌گذرانی‌ها و حیف‌ومیل ثروت ملی بود. مردم ایران که از ظلم و ستم رژیم شاهنشاهی به تنگ آمده بودند به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رسیدند. امام خمینی (ره) برای آبادی ایران و رونق اقتصادی کشور سازمان‌ها و نهادهایی را تأسیس کردند که باعث رونق آبادانی و اقتصادی و پیشرفت علمی کشور شد.

رهبر معظم انقلاب در چهلمین سالگرد انقلاب، بیانیه‌ای صادر کردند و در آن سیر تاریخی و حوادث و پیشرفت‌های انقلاب را برشمردند. در سخنان ایشان مؤلفه‌هایی از جمله؛ پیشرفت در علم و فناوری، گسترش معنویت و اخلاق، اقتصاد مقاومتی و مقابله با مستکبران، پررنگ‌تر بیان شده است. با مقایسه‌ی این بیانیه و حکومت امام علی (ع) برداشت می‌شود که بین شاخصه‌های بیانیه گام دوم و حکومت امام علی (ع) مشابهت‌های زیادی وجود دارد که این مشابهت در زمینه‌های علمی، نظامی و اقتصادی پررنگ‌تر جلوه کرده است.



منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله، (۱۴۴۰)، شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیة الله المرعشی النجفی.
۲. ابن اعثم کوفی، محمد بن علی، (۱۴۰۶)، الفتوح، ترجمه مستوفی هروی، تصحیح غلامرضا طباطبائی، تهران: انتشارات آموزش و انقلاب اسلامی.
۳. ابن اعرابی، احمد بن محمد، (بی‌تا)، المعجم (لابن اعرابی)، عربستان: دار ابن جوزی.
۴. ابن قتیبه‌الدینوری، عبدالله بن مسلم، (۱۴۱۰)، الامامه و السیاسه، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالأضواء.
۵. ابن اثیر، (بی‌تا)، أسدالغابه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶. ابن عساکر، علی بن حسن بن هبه‌الله بن عبدالله، (۱۴۱۷)، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق، علی شیری، بیروت: دارالفکر.
۷. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، (بی‌تا)، الفهرست، تحقیق، رضا تجدد، تهران: نشر مؤلف.
۸. ابونعیم، احمد بن عبدالله، (۱۴۲۲)، معرفه الصحابه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۹. استرآبادی، احمد بن تاج‌الدین، (۱۳۷۴)، آثار احمدی تاریخ زندگانی پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم‌السلام، تهران: نشر میراث مکتوب.
۱۰. پهلوی، محمدرضا، (۱۳۴۹)، مأموریت برای وطنم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۱. ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد، (۱۳۷۳)، الغارات، ترجمه عزیزالله عطاردی، تهران: انتشارات عطارد.
۱۲. جرداق، جرج، (۱۳۸۷)، امام علی علیه‌السلام صدای عدالت انسانی، ترجمه، سیدهادی خسروشاهی، قم: بوستان کتاب.

۱۳. جعفریان، رسول، (۱۳۷۲)، تاریخ خلفا از رحلت پیامبر (ص) تا اول امویان، قم: مرکز نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۴. جعفریان، رسول، (۱۳۸۰)، تاریخ و سیره سیاسی امیر مؤمنان علی بن ابیطالب (علیهم السلام)، قم: دلیل ما.
۱۵. حسینی خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۹۷)، بیانیه گام دوم انقلاب، تهران: بی‌نا.
۱۶. خامنه‌ای، سید علی حسینی، (۱۳۵۹)، نبوت‌ها در نهج البلاغه، تهران: بی‌جا.
۱۷. خان‌محمدی، جمعه، (۱۳۸۵)، تعدیل نابرابری‌های اجتماعی در دولت امام علی (ع)، چاپ سوم، قم: شیعه‌شناسی.
۱۸. خطیب بغدادی، احمد، (۱۳۴۹)، تاریخ بغداد، قاهره: مطبعة السعادة.
۱۹. خوری حتی، فیلیپ، (۱۳۸۰)، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۰. ذهبی، محمدحسین، (بی‌تا)، التفسیر و المفسرون، تحقیق، احمد الزعبی، بیروت: دار الارقم.
۲۱. راجی، سید محمدحسین، خاتمی، سید محمدرضا، (۱۳۹۷)، صعود چهل‌ساله، مشهد: انتشارات زائر رضوی.
۲۲. سبحانی، جعفر، (۱۳۸۶)، فروغ ولایت، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۲۳. سیدرضی، (۱۳۹۵)، نهج البلاغه، ترجمه دشتی، محمد، قم: نشر محمد امین.
۲۴. شیخ مفید، محمد بن نعمان، (۱۴۰۳)، الامالی، قم: بی‌جا.
۲۵. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷)، تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری)، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث.
۲۶. طوسی، خواجه نصیرالدین، (۱۴۰۷)، تجرید الاعتقاد، تحقیق، محمدجواد الحسینی الجلالی، تهران: مرکز النشر، مکتب الإعلام الإسلامی.
۲۷. فیض کاشانی، ملامحسن، (۱۳۸۳)، محجة البیضاء فی تهذیب الأحياء، تهران: جامعه مدرسین.
۲۸. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴)، تفسیر قمی، محقق موسوی جزایری، قم: دارالکتاب.

۲۹. کاشفی، محمدرضا، (۱۳۸۰)، «تأثیر امام علی علیه السلام بر فرهنگ و تمدن اسلامی»، دانشنامه امام علی علیه السلام، جلد یازدهم، سیره، زیرنظر، علی‌اکبر رشاد، تهران: مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.

۳۰. کوثری، حجت‌الله، (۱۳۹۷)، فرهنگ تولید از منظر امیرالمؤمنین (ع) و نهج‌البلاغه، قم: بنیاد بین المللی نهج‌البلاغه.

۳۱. لسان‌الملک سپهر، محمدتقی، (۱۳۸۴)، ناسخ‌التواریخ عمر بن خطاب، تهران: انتشارات اساطیر.

۳۲. محرمی، غلامحسین، (۱۳۹۷)، امامان شیعه علیه السلام و علوم اسلامی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۳۳. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۴)، سیری در نهج‌البلاغه، تهران: نشر صدرا.

۳۴. میلانی، محمدعلی، (۱۳۸۹)، شرح زیارت امیرالمؤمنین (ع) یوم‌الغدیر، تهران: دلیل ما.

۳۵. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، (بی‌تا)، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر.